

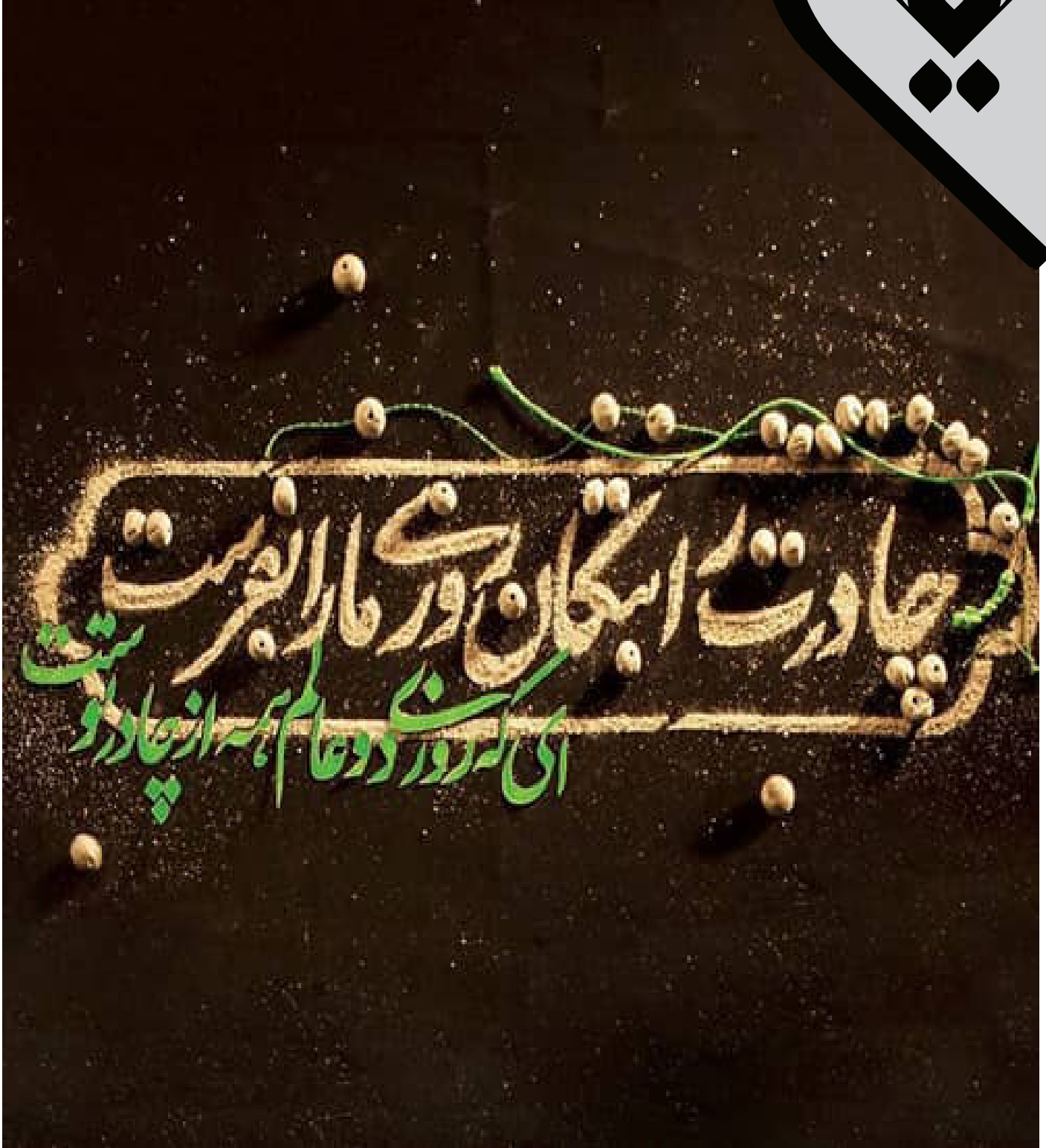


هیئت تحریریه: فاطمه سیفی کار- مریم حبیب الهی- انسیه رحیمی راد- ریحانه مروتی
ویراستار: زینب زاغری
صفحه آرا: سارا پیوندی

نشریه‌ی ایما تاریخ انتشار: آذر ماه ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه الزهراء (س)
مدیر مسئول: زینب زاغری
سردبیر: ریحانه مروتی



«ویژه نامه فاطمیه»



«کوثر جهان»

۴

«سیدالنسا»

۲

«اگه بخوام پیام بینمتون باید کجا پیام؟»

۴

«بوستانی که از صاحب خود دور ماند»

۳

«سیدالنسا»

احادیث بسیاری در رابطه با فضائل حضرت زهرا(س) از رسول خدا وارد شده که بیانگر ابعاد شخصیتی و جایگاه ویژه آن حضرت می باشد.

حضرت فاطمه(س) برترین بانوی دو عالم است و این موضوع در روایات زیادی منعکس شده است. برتری حضرت زهرا بر دیگر زنان به مناسبت های مختلف وارد شده؛ مهم ترین آن ها، روایتی است درباره رحلت پیامبر اکرم(ص) و در پی آن شهادت حضرت فاطمه زهرا، به عنوان نخستین کسی که به پیامبر محلق خواهد شد. به طوری که ام سلمه و عایشه روایت کردند: «حضرت فاطمه نزد رسول خدا آمد، پیامبر رازی با او در میان گذاشتند که حضرت زهرا گریستند و سپس راز دیگری با او در میان گذاشتند که باعث شد بخندند. در باره این ماجرا پرسیدم و ایشان فرمودند: «نخست پیامبر خبر دادند که امسال از دنیا خواهند رفت و من با شنیدن آن گریستم و بار دوم از اینکه من اولین کسی خواهم بود که به او ملحق می شود، شادمان شدم.» در همین گفتگو بود که پیامبر اکرم(ص) برتری حضرت فاطمه(س) را به تمام زنان اعلام کردند.

در رابطه با نظام اعتقادی حضرت زهرا می توان اشاره کرد که ایشان در خانه ای متولد شدند و پرورش یافتند که محل نزول وحی بود و شاهد رفت و آمدهای ملائکه و نزول آیات قرآن بر پدر بزرگوارشان بودند. همچنین حضرت زهرا خودشان موضوع نزول بسیاری از آیات قرآن است که نشان دهنده ی شخصیت ملکوتی آن حضرت در عرصه اعتقاد و عمل می باشد از جمله این آیات، آیه تطهیر است که نه تنها حضرت زهرا را از مصداق های اهل بیت معرفی می کند، بلکه آن حضرت را در کانون آن قرار داده است. نمونه ای از مجاهدت های حضرت زهرا در دوران رسالت و پس از آن، دفاع از رسالت می باشد؛ به طوری که بعد از وفات حضرت خدیجه همواره مراقب پیامبر اکرم(ص) بودند و در شناخت توطئه های دشمنان و خنثی کردن آن ها تلاش می کردند. همچنین آن حضرت در بسیاری از جنگ ها از جمله «احد» و «بدر» حضور داشتند و به مجروحان یاری می رساندند.

از دیگر مجاهدت های آن حضرت، دفاع از ولایت است. با اینکه بعد از رحلت رسول خدا دوران سختی زندگی حضرت زهرا شروع شده بود، از حق طلبی و دفاع از حریم ولایت دست نکشیدند. در روایات بسیاری آمده است که حضرت زهرا(س) به دلیل غصب فدک، به ابوبکر غضبناک شد و از صحبت کردن با خلیفه خودداری کرد تا آن که از دنیا رفت. همچنین برای دفاع از ولایت، شبها با انصار دیدار می کردند و خبرهای بیعت مردم با حضرت علی را در غدیر باز می گفتند. به هر حال نشانه های حق خواهی حضرت فاطمه(س) فراوان تر از آن است که در جملات محدودی بیان شود؛

اما باید این حق خواهی و دفاع از ولایت حضرت زهرا(س) را الگو قرار دهیم در زمانی که حضرت امام زمان(عج) ولی مومنان غایب هستند و هدایت مسلمانان به عهده ولایت فقیه می باشد، ما باید تلاش کنیم به دور از هر گونه اختلاف خیمه ولایت را رها نکنیم؛ این خیمه، خیمه رسول الله است. فراموش نکنیم ولایت پذیری و دفاع از آن، انسان را به قرب و تعالی ابدی می رساند.



«بوستانی که از صاحب خود دور ماند»



می‌گذارند را رد کردند. ایشان از اصحاب پیامبر درخواست کمک کردند اما اصحاب این درخواست را رد کردند.

با شکایت از غاصبین فدک در کنار قبر پیامبر (ص) نارضایتی خود را از خلفا اعلام و آنان را محکوم کردند.

چراکه مسلمانان همگی جایگاه حضرت زهرا (س) را می‌شناختند و نارضایتی ایشان را نقض حدیث: «فاطمه بضعه منی من أذاها فقد أذانی و من أغضبها فقد أغضبنی و من أغضبنی فقد أغضب الله.» می‌دانستند. غصب فدک اهداف سیاسی داشت و برخورد اهل بیت را در پی داشت اما بعد از رحلت پیامبر به مقام آنان بی‌توجهی شد و این بی‌توجهی سال‌ها و حتی اکنون را در شعاع خود قرار داد.

برداشتی آزاد از کتاب «مالک فدک» حضرت زهرا برای باز پس‌گیری فدک اقداماتی انجام دادند. دادخواهی کردند ولی خلیفه بر خلاف قائده ید آن را رد کردند و حتی پس از شاهد آوردن، شهادت حضرت علی را رد کردند. چون معتقد بودند ایشان در این ماجرا ذی‌نفع هستند، پس از بی‌ثمر بودن دادخواهی‌شان خطبه‌ای در مسجد ایراد کردند که با آوردن احادیث و آیاتی، ادعا این که پیامبران از خود ارث نمی‌گذارند را رد کردند. ایشان از اصحاب پیامبر درخواست کمک کردند اما اصحاب این درخواست را رد کردند.

با شکایت از غاصبین فدک در کنار قبر پیامبر (ص) نارضایتی خود را از خلفا اعلام و آنان را محکوم کردند.

چراکه مسلمانان همگی جایگاه حضرت زهرا (س) را می‌شناختند و نارضایتی ایشان را نقض حدیث: «فاطمه بضعه منی من أذاها فقد أذانی و من أغضبها فقد أغضبنی و من أغضبنی فقد أغضب الله.» می‌دانستند. غصب فدک اهداف سیاسی داشت و برخورد اهل بیت را در پی داشت اما بعد از رحلت پیامبر به مقام آنان بی‌توجهی شد و این بی‌توجهی سال‌ها و حتی اکنون را در شعاع خود قرار داد.

برداشتی آزاد از کتاب «مالک فدک»

فدک ارثیه حضرت زهرا از پدرشان رسول‌الله بود که به ایشان رسید. البته ایشان همیشه از این باغ برای دستگیری از ایتام و مسکینان استفاده می‌کردند، اما پس از رحلت جانشوز پیامبر و حوادث بعد از آن توسط حکومت غصب شد.

فدک سرزمین حاصلخیز و دارای مزارع، باغات و نخلستان‌های فراوان بود و یهودیان در آن سکونت داشتند که در سال هفتم هجری بعد از فتح خیبر، به پیامبر اسلام پیشنهاد دادند که در مقابل صلح با سپاه اسلام، نیمی از زمین‌هایشان برای پیامبر باشد و نیم دیگر در اختیار خودشان باقی بماند.

در ادامه نیز حضرت رسول بعد از پذیرش این پیشنهاد، فدک را به دستور خدای متعال به حضرت زهرا (س) بخشیدند، برای آن سندی را تنظیم کردند و امام علی (ع) و ام‌ایمن را بر این بخشش شاهد گرفتند. تلاش‌های حضرت زهرا برای فدک دلایل بسیار مهمی داشت؛ فدک برای پدرشان بود و مستقیم به وسیله سندی به ایشان واگذار شد. فدک درآمد فراوانی داشت که برای اقتصاد قبیله بنی‌هاشم، ایتام و مسکینان استفاده می‌شد. طبق حادثه غدیر، این باغ همانند اموال حضرت خدیجه برای پیامبر، پشتوانه مالی قوی برای حکومت بود.

تلاش‌های حضرت زهرا برای باز پس‌گیری فدک بیشتر جنبه سیاسی داشت تا اقتصادی. به دلیل بازدهی اقتصادی، در راه مبارزه برای بازپس‌گیری حکومت نقش مهمی داشت.

در زمان امام کاظم، هارون‌الرشید خلیفه عباسی با اصرار از امام خواست تا مرزهای فدک را مشخص کند تا آن را پس دهد، اما امام امتناع می‌کردند؛ اما با اصرار خلیفه این کار را انجام دادند. بعد از انجام این کار، خلیفه به امام گفت: «بفرما جای من بنشین!» با این حساب، چیزی برای ما باقی نمی‌ماند! امام (ع) در پاسخ فرمودند: «به تو گفتم اگر حد فدک را مشخص کنم، تو آن را به ما باز پس نمی‌دهی.»

دلیل این که به دیگر اموال ایشان تعرض نشد این بود که بیشترشان وقف بود و ایشان به عنوان متولی مدیریت اموال را بر عهده داشتند.

حضرت زهرا برای باز پس‌گیری فدک اقداماتی انجام دادند. دادخواهی کردند ولی خلیفه بر خلاف قائده ید آن را رد کردند و حتی پس از شاهد آوردن، شهادت حضرت علی را رد کردند. چون معتقد بودند ایشان در این ماجرا ذی‌نفع هستند، پس از بی‌ثمر بودن دادخواهی‌شان خطبه‌ای در مسجد ایراد کردند که با آوردن احادیث و آیاتی، ادعا این که پیامبران از خود ارث



«کوثر جهان»

«آگه بخوام پیام بینمتون باید کجا پیام؟»

حقیقتش فردی هست که خیلی‌ها دلشان مدت‌هاست گره‌اش کور شده و هربار یک گره کور دیگر رویش گره می‌خورد آنقدر باز کردن این گره‌ها درد دارد که با هر پلک‌زدن اشکشان شیاری روی صورت‌شان ایجاد می‌کند.

چرا باید مزار یک نفر گم شده باشد با اینکه این همه خواهان دارد؟ و این همه گره کور دل؟ آن هم نه برای الان برای هزاران سال پیش. چرا مزار حضرت زهرا گم است؟ چرا نیست؟

پاسخ این سوال، مهر مظلومیت شیعه و رد تمام خرافات و حرف‌های دروغ است
حالا واقعاً چرا؟

معمولاً اینطور است که وقتی دلمان برای کسی تنگ می‌شود یا به قول معروف هوایش را می‌کنیم، می‌رویم به دیدارش تا قسمت کوک دلمان که تنگ شده را کمی بشکافیم تا نفسی بگیرد. اگر شرایطش باشد حضوری می‌رویم و اگر نبود، عصر تکنولوژی است و می‌توان به راحتی پیام داد، زنگ زد یا تماس تصویری گرفت و ...
بالاخره گره تنگ دل، انسان را وادار می‌کند که به دنبال راهی باشد برای قرار این موج شدید دل.

اما تا به حال شده است که دلتنگ شوی، بخواهی حرف بزنی تا گره و عقده‌ی دل باز شود یا حتی نگاهت گره بخورد تا گره از دلت باز شود، ولی ندانی کجا بروی؟ به کدام شماره زنگ بزنی؟ به کدام خط پیام بدهی؟ پست‌های کدام پیج را ببینی و در دنیای ارتباطات، هیچ راه ارتباطی نداشته باشی؟
اگر آن کسی که دو طرف دلمان را با یادش گره زده و آن را کور کرده که تنگش شده است، نفس‌هایش دیگر وارد ذرات هوا نشده باشد و به قول ما زمینی‌ها فوت کرده باشد و حتی ندانیم مزارش کجاست برای شکافتن این گره کور چه کنیم؟ سر کدام مزار بنشینیم و این گره

حال نوبت فرشته‌ها بود که به نور فاطمه در صلب آدم سجده کنند؛ بی چون و چرا و بی معطلی. آن نور خیره‌کننده را فقط خداوند می‌بیند و شأنش بر همگان مجهول است.
در بین ملائک اما جبرئیل، امانت‌دار وحی الهی، ذهنش مشغول آن پنج ستون بود!

آن پنج ستونی که خلقت بخاطر آنها آغاز شده بود. سال‌ها می‌گذشت و جبرئیل مجال پرسش نمی‌یافت.
تا آنکه آن موعد عزیز فرا رسید. زمان آن بود که خداوند، پرده از راز خلقت برای ملائک بردارد...

پس ای ملائکه هیچ چیزی را خلق نکردم مگر به محبت این پنج تن. حالا وقت آن سوال بود...
جبرئیل بی‌قرارانه پرسید، آن پنج تن که هستند؟

فاطمه پدرش همسرش و پسرانش. جبرئیل با خود تکرار کرد:
فاطمه، پدرش، همسرش و پسرانش...
پس پاسخ در کلمه‌ی فاطمه و متعلقاتی بود که به او مرتبط می‌شد.

آن روز که خداوند می‌خواست جهان را بیافریند به دنبال چیزی گشت که ارزش خلقتش را داشته باشد؛ پس پیامبر اکرم را آن دلیل شایسته دید و برای خلقت او، چاشنی می‌خواست که بی آن خلقت عالم بی‌معنا می‌شد؛ پس علی(ع) به قلب باری تعالی نشست، حالا خداوند حیبی داشت و حیبش برداری راستین، جهان پدرانی داشت که با تکیه بر وجود آن‌ها مستحکم می‌شد. ذرات عالم حجت کافی و لازم داشتند و آسمان خورشید و ماهی بی‌مانند؛ اما چیزی کم بود، مستوریت حق محقق نشده بود، حیب خدا حیبیه‌ای نداشت که گرد از رخس پاک کند و برای علی همسری از برگ گل نازک تر هم کفو خود او در سراسر جهان نبود، کسی نبود که بوی بهشت را با خودش به جهنم دنیا بیاورد و سخاوتمندانه آن را به ذره ذره‌ی جهان بتاباند. حجت‌های الهی حجت می‌خواستند و آسمان بی‌مدار مانده بود. عالم پدر داشت ولی مادری که او را با فداکاری به عرصه‌ی خلقت برساند؟ خداوند لبخندی زد و نقابی از نقاب‌های بسیار فاطمه را کنار زد... و از آن نور عظیم، از پشت همان لایه‌های نقاب هفت آسمان بر پنج ستون بنا شد.

فاطمه‌مقلدکچی

رحانه‌مروتی

اگر قلم خوبی دارید و دوست دارید در «ایما» فعالیت کنید، به آیدی @zb8227 در تلگرام پیام دهید!!

@alzahrabasij
@nashryeima

